

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته فرهنگ و زبانهای باستانی

کیخسرو در اوستا، متون پهلوی و شاهنامه فردوسی

توسط

خاطره امیریان

کتابخانه اطلاعیه مرکز اسناد و کتابخانه ملی
تهیه مرکز

استاد راهنما

۱۳۸۸ / ۴ / ۶

سرکار خانم دکتر قلعه خانی

اسفند ۱۳۸۷

۱۱۵۴۵۴

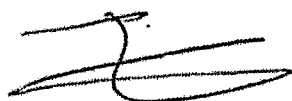
به نام خدا

اظهار نامه

اینجانب خاطره امیریان دانشجوی رشته ی فرهنگ و زبانهای باستانی گرایش فرهنگ و زبانهای باستانی دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی اظهار می کنم که این پایان نامه حاصل پژوهش خودم بوده و در جاهایی که از منابع دیگران استفاده کرده ام، نشانی دقیق و مشخصات کامل آن را نوشته ام. همچنین اظهار می کنم که تحقیق و موضوع پایان نامه ام تکراری نیست و تعهد می نمایم که بدون مجوز دانشگاه دستاوردهای آن را منتشر ننموده و یا در اختیار غیر قرار ندهم. کلیه حقوق این اثر مطابق با آیین نامه مالکیت فکری و معنوی متعلق به دانشگاه شیراز است.

نام و نام خانوادگی: خاطره امیریان

تاریخ و امضاء: ۸۸/۲/۱۰



به نام خدا

کیخسرو در اوستا، متون پهلوی و شاهنامه فردوسی

به وسیله ی:

خاطره امیریان

پایان نامه

ارایه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی
از فعالیت های تحصیلی لازم جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته ی:

فرهنگ و زبانهای باستانی

از دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی شده توسط کمیته پایان نامه با درجه: عالی

دکتر گلنار قلعه خانی، استادیار بخش زبان های خارجی و زبانشناسی (رییس کمیته).....

دکتر محمودرضا دستغیب بهشتی، استادیار بخش زبان های خارجی و زبانشناسی.....

دکتر کتایون نمیرانیان، استادیار بخش زبان های خارجی و زبانشناسی.....

اسفند ۱۳۸۷

سپاسگزاری

از زحمات تمام استادانی که در طول انجام این تحقیق مرایاری نمودند، نهایت سپاس را دارم. راهنمایهای استاد

ارجمند سرکار خانم دکتر قلعه خانی و استاد کرامت‌قدم جناب آقای دکتر دستغیب بهشتی را ارج می‌نم.

چکیده

کیخسرو در اوستا، متون پهلوی و شاهنامه فردوسی

به وسیله ی

خاطره امیریان

این پژوهش به بررسی شخصیت، خویشکاری و جایگاه ویژه کیخسرو در متون اوستایی، متن های پهلوی و شاهنامه فردوسی می پردازد. کیخسرو فرزند سیاوش و فرنگیس شاهزاده ای ایرانی-تورانی است. او شهریار، کیانی می باشد که نبردهای طولانی مدت ایران و توران را خاتمه می دهد و ایرانیان را از شر افراسیاب نابکار تورانی رهایی می بخشد و انتقام آنچه بر پدرش سیاوش، در سرزمین توران رفته است را، از او می ستاند. کیخسرو پس از پیروزی نسبت به امور شاهی بی علاقه می گردد و از شهریار و سلطنت کناره می گیرد و پس از نیایش ها و تضرع های طولانی به درگاه یزدان، به طور مرموزی ناپدید می گردد. بنابر متون پهلوی او در پایان جهان بازمی گردد تا سوشیانس را در امر نوسازی جهان یاری کند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: مقدمه
۲	۱-۱ کلیاتی درباره کیانیان
۳	۲-۱- مبانی و پایه های نظری تحقیق
۳	۳-۱- روش تحقیق
۳	۴-۱- پیشینه تحقیق
۴	۵-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق
۵	یاداشتهای فصل اول
۶	فصل دوم: کیخسرو در متون اوستایی
۷	۱-۲- صورتهای مختلف نام خسرو در متون اوستایی
۸	۲-۲- عنوان کوی / کی
۸	۳-۲- یشت ها
۹	۳-۲-۱- آبان یشت
۹	۳-۲-۲- درواسپ یشت
۱۰	۳-۲-۳- فروردین یشت
۱۰	۳-۲-۴- رام یشت
۱۱	۳-۲-۵- آرت یشت
۱۱	۳-۲-۶- زامیاد یشت
۱۲	۴-۲- خرده اوستا

۱۲.....	۵-دیگر متون
۱۳.....	یادداشتهای فصل دوم.....
۱۶.....	فصل سوم: کیخسرو در متون پهلوی
۱۷.....	۱-۳-پندهش.....
۱۸.....	۲-۳-دینکرد.....
۱۸.....	۳-۲-۱-کتاب هفتم.....
۱۸.....	۳-۲-۲-کتاب هشتم.....
۱۹.....	۳-۲-۳-کتاب نهم.....
۱۹.....	۳-۳-گزیده های زادسپرم.....
۱۹.....	۳-۴-داستان دینیک.....
۲۰.....	۳-۵-روایت پهلوی.....
۲۰.....	۳-۶-مینوی خرد.....
۲۱.....	۳-۷-متون پهلوی.....
۲۳.....	یادداشتهای فصل سوم.....
۲۵.....	فصل چهارم: کیخسرو در شاهنامه فردوسی
۲۷.....	۴-۱-زندگی کیخسرو از تولد تا دوران شهریاری در سرزمین توران.....
۳۰.....	۴-۱-۱-نخستین آزمون کیخسرو.....
۳۱.....	۴-۲-داستان ورود کیخسرو به ایران.....
۳۳.....	۴-۳-زندگی وشهریاری در ایران.....
۳۳.....	۴-۳-۱-دومین آزمون کیخسرو.....
۳۵.....	۴-۴-لشکرکشی های کیخسرو به توران.....
۳۶.....	۴-۵-جنگ بزرگ.....
۳۷.....	۴-۵-۲-نبردهای کیخسرو با افراسیاب.....

۴-۶-۴- گرفتار شدن افراسیاب توسط هوم عابد.....	۴۰
۴-۷-۴- آزمون سوم.....	۴۱
۴-۸-۴- کناره گیری از تاج و تخت.....	۴۲
۴-۸-۱- آمدن زال ورستم به نزد کیخسرو.....	۴۳
۴-۸-۲- کناره گیری از شهریاری و عزیمت بسوی یزدان.....	۴۵
یادداشتهای فصل چهارم.....	۴۹
فصل پنجم: شخصیت ها ودژها در داستان کیخسرو.....	۵۰
۵-۱- افراسیاب.....	۵۰
۵-۲- انجمن پهلوانان بارگاه کیخسرو.....	۵۴
۵-۲-۱- توس.....	۵۴
۵-۲-۲- گودرز.....	۵۸
۵-۲-۳- گیو.....	۵۸
۵-۲-۴- گستههم.....	۶۱
۵-۲-۵- بیژن.....	۶۴
۵-۲-۶- فریبرز.....	۶۷
۵-۲-۷- رستم.....	۶۹
۵-۳- دژها.....	۶۹
۵-۳-۱- دژ بهمن و آذرگشنب.....	۶۹
۵-۳-۲- کنک دژ.....	۷۱
۵-۳-۲-۱- کنک دژ در اوستا.....	۷۱
۵-۳-۲-۲- کنک دژ در متون پهلوی.....	۷۲
۵-۳-۲-۳- کنک دژ در شاهنامه.....	۷۳
یادداشت های فصل پنجم.....	۷۴

فصل ششم: جاودانگی و عرفان کیخسرو.....	۷۷
۱-۶- جاودانگی در اساطیر.....	۷۷
۲-۶- ارتباط جاودانگی بارستاخیز.....	۷۸
۳-۶- جاودانگی کیخسرو در اوستا.....	۷۹
۴-۶- جاودانگی کیخسرو در متون پهلوی.....	۷۹
۵-۶- جاودانگی کیخسرو در شاهنامه.....	۸۰
۷-۶- عرفان کیخسرو.....	۸۲
۱-۷-۶- شهرپاری آرمانی.....	۸۳
۲-۷-۶- جام جهان نما کیخسرو.....	۸۴
یادداشت های فصل ششم.....	۸۶
نتیجه گیری.....	۸۷
منابع و مأخذ.....	۹۰

فصل اول

مقدمه

کیخسرو دراوستا -Haosravah^۱، درسانسکریت -Sausravasa و در پهلوی Hosrav نامیده می شود که به معنی نیک نام است. درمتون پارسی و پهلوی او فرزند سیاوش و فرنگیس، شاهزاده ای ایرانی - تورانی است. او هشتمین شهریار از شهریاران سلسله ای به نام کیانیان می باشد.

زندگی او از نخست با اسطوره آمیخته شده است. کیخسرو به عنوان یک پادشاه کامل و عادل و پهلوانی که همیشه پیروز است، نام برده شده است. دوران سلطنت او درخشان است و در متون کهن و حتی پاره ای متون متعلق به دوره اسلامی، جایگاهی خاص دارد. بزرگترین عملی که از او در دوران شهریاریش سرزده، کشتن افراسیاب و گرسیوز به کین پدرش، سیاوش و نیز اغریث بوده که پس از نبردهای طولانی میان ایران و توران به وقوع می پیوندد و سرانجام به نابودی دشمن می انجامد.

کیخسرو پهلوان و یل سرزمینهای آریایی و نیز متحد کننده این کشور بوده است.^۲ او پس از ستاندن انتقام خون پدرش، سیاوش، از سلطنت و شهریاری کناره می گیرد و به شکل مرموزی ناپدید می گردد و زنده به یزدان می پیوندد. برخی اندیشمندان از زندگی کیخسرو برداشتی عرفانی دارند، بخصوص کناره گیری او از سلطنت و روی آوردنش به زهدورزی باعث شده که در برخی متون از او به عنوان پیامبر یاد شود.

کیخسرو بعنوان شاه بوختار مظهر نیروهای اهورایی در زمین است و افراسیاب نماینده قوای دوزخی و جنگ بزرگ کیخسرو و افراسیاب تصویری است حماسی از جنگ بزرگ رستاخیزی. با پایان گرفتن این جنگ نهایی، زمان اساطیری نیز درحماسه ملی ایران به انجام می رسد.^۳

۱-۱- کلیاتی درباره کیانیان

کیانیان نام سلسله ای نیمه تاریخی و نیمه افسانه ای است که مطابق تاریخ سنتی ایران پس از سلسله «پیشدادیان» و پیش از سلاله «اشکانیان» در ایران پادشاهی می کردند. علت این نامگذاری آن است که برسرنام چندتن از افراد این سلسله لقب «کی» آمده است.^۴ واژه «کی» بازمانده کلمه اوستایی «کوی=Kavi» (سانسکریت=Kavi) است که معنای دقیق آن معلوم نیست ولیکن در زبان اوستایی «کوی» عنوان امیران یا شهیارانی است که در ایالت‌های شرقی ایران در زمان دین آوری «زردشت» و پیش از او حکمرانی می کردند. در اوستا تنها از هشت تن افراد این سلسله یاد شده است که عبارتند از: «کیقباد: - Kavi Kavāta»، «کی اپیوه: - Kavi aipi.vaṅhav»، «کی کاوس: - usaḍan Kavi»، «کی ارشن: - Kavi aršan»، «کی پشین: - Kavi pisinah»، «کی بیارشن: - Kavi byāršan»، «کی سیاوش: - Kavi syāvaršan» و «کیخسرو: - Kavi haosravah».

البته از «کی گشتاسب: - Kavi vištaspā» بارها در اوستا به تنهایی با لقب «کوی» یاد شده است. اما در جریان تکوین حماسه ملی ایران، شاهنامه فردوسی، و تاریخ سنتی ایران چندتن دیگر به افراد این سلسله افزوده شده اند که عبارتند از: «سهراب»، «گشتاسب»، «بهمن»، «همای»، «دارا یا داراب»، «دارای دارایان» و «اسکندر مقدونی». چنانکه معلوم است برخی از این افراد پادشاهان سلسله هخامنشی هستند.

جالب توجه است که در اوستا علاوه بر اینکه از هشت تن شهیار یاد شده با لقب «کوی» یعنی «کی» سخن به میان آمده، در جای جای این کتاب از «کویها» در کنار موجودات اهریمن و دشمنان آیین زرتشتی چون دیوان و پریان و جادوان یاد شده و این حاکی از آن است که در زمان پیامبری زردشت در ایالات شرقی ایران حکمرانانی با لقب «کوی» فرمانروایی می کردند که با زردشت و آیین او مخالف بودند و یکی از این کویها به نام «گشتاسب» دین زرتشت را پذیرفته و از آن پیامبر در انتشار و ترویج «آیین مزدیسنا» حمایت می کرده است.^۵

از آغاز مطالعات ایران شناسی محققانی درباره «کیانیان» و مسئله «کویها» در اوستا به تحقیق پرداخته اند. اما موضوع مورد بحث در این پژوهش کیخسرو یکی از این شهیاران کیانی می باشد. این پژوهش علاوه بر آنکه به بررسی جایگاه کیخسرو در متون اوستایی، پهلوی و شاهنامه فردوسی پرداخته نگاهی نیز به شخصیت دشمن وی یعنی افراسیاب و نیز پهلوانانی که کیخسرو را در پیروزی بر این شاه تورانی یاری دادند، دارد و همچنین موضوع جاودانگی او و نقش مهمی که او در پایان جهان ایفا می کند و نیز برداشت عرفانی از شخصیت او، مورد بحث این پژوهش می باشد.

۱-۲- مبانی و پایه های نظری تحقیق

کتاب مقدس اوستا و شاهنامه فردوسی با درونمایه های اساطیری آبخشور پژوهش های ژرف درحوزه دانش اسطوره شناسی ایرانی می باشند. پیوند باستانی این دو، گاه چنان است که پس از وداها، درمطالعات تطبیقی اوستا، شاهنامه بدون تردید جایگاهی ویژه ای را داراست. پژوهش حاضر پیرامون شخصیت و خویشکاری کیخسرو از روزگار اساطیری تا دوران متأخر است .

کیخسرو (پرسیاوش و فرنگیس) محبوب ترین شاه ایران است و چهره ای متمایز نسبت به سایر فرمانروایان کشور دارد تاجایی که می توان او را شاه آرمانی ایرانیان نامید. هدف از این پژوهش، پاسخ به این پرسش است که آیا چهره کیخسرو درگذر زمان و درمتون مختلف تغییر یافته است یا خیر؟ و اگر آری، این دگردیسی به چه نحو بوده است ؟ تفاوت نگرش اوستا، متون پهلوی، متون تاریخی پس از اسلام، شاهنامه فردوسی و دیگر متون در خصوص کیخسرو چیست ؟

۱-۳- روش تحقیق

روش تحقیق دراین پژوهش به شیوه کتابخانه ای بوده است. کتابهایی که مورد استفاده قرارگرفته اند به صورت ترجمه یا تألیف بوده اند. دراین میان ازمنابع باستانی همچون اوستا و نوشته های پهلوی و ترجمه های آنها نیز استفاده شده است. دراستفاده از منابع سعی برجامع ترین و مورد قبول ترین نسخه ها بوده و درصورت لزوم مقایسه ای نیز بین نسخه ها انجام گرفته است. تمامی مطالب پس از کتاب شناسی و گردآوری منابع براساس موضوع طبقه بندی شدند و سپس درقالب فصل های مختلف نوشته شدند. آنگاه به تنظیم یادداشت ها و نوشتن و ویرایش مطالب اقدام شده است. تمامی مطالب برگرفته از منابع گوناگون دراین پژوهش، باذکر مشخصات منبع مورد استفاده، دریادداشتهای آخر هر فصل آورده شده است .

۱-۴- پیشینه تحقیق

پیش از این، درکتابهایی که درباره داستانهای شاهنامه پیرامون کیخسرو به رشته تحریردرآمده است ازاین شهریارکیانی، شخصیت و خویشکاری او نیز سخن رفته است اما کتابی که منحصرآبه داستان زندگی او پرداخته و شخصیت او را از نظر تاریخی، خانوادگی، اساطیری،

پهلوانی و روحی بررسی نماید، موجود نمی باشد. هرچند برخی اندیشمندان در آثار خود به کیخسرو توجه خاصی نشان داده اند که از آن جمله به کتاب « پژوهش هایی در شاهنامه » اثر کویاجی ، « تن پهلوان و روان خردمند » مجموعه مقالات شاهرخ مسکوب اشاره کرد و نیز کریستن سن در کتاب خود « کیانیان » به بررسی شخصیت کیخسرو در متون مختلف پرداخته است .

۱-۵- اهمیت و ضرورت تحقیق

از آنجائیکه تاکنون هیچ تحقیق جامعی که دربرگیرنده زندگی و اعمال کیخسرو در دوران باستان و میانه باشد، به صورت یکجا، انجام پذیرفته و تحقیقات انجام شده به شکل پراکنده در متون مختلف بوده است ، لازم به نظر رسید که تحقیقی درخور در این رابطه انجام شود.

یادداشتهای فصل اول

- ۱ پور داود ، ۱۳۷۲ ، جلد دوم ، ص ۲۵۵
- ۲ همان ، ص ۱۵۱
- ۳ سرکاراتی ، ۱۳۸۵ ، ص ۱۱۲
- ۴ کریستن سن ، ۱۳۸۱
- ۵ همو ، ۱۳۸۱ ، ص
- ۶ بهار ، ۱۳۸۴ ، ص ۳۷۱

فصل دوم

کیخسرو در متون اوستایی

خسرو -Haosravah معمولاً در اوستا با صفت کی به معنای پادشاه همراه شده است و بصورت کیخسرو آمده است. او شهریاری کیانی می باشد، سلسله ای نیمه تاریخی، نیمه افسانه ای که پس از سلسله پیشدادیان درایران پادشاهی می کردند. در کتاب مقدس اوستا نامی از سلسله ای به نام کیانی یا کیانیان نیامده، اما کیخسرو هشتمین شهریار از میان شهریارانی است که در یشت سیزدهم، فروردین یشت، بند ۱۳۲ و یشت نوزدهم، زامیاد یشت، بند ۷۱ از آنها بالقب کوی (-kavaya- / -kaoya) نام رفته است، که به ترتیب بدین قرار است: «کوی کوات» -kavāta¹ ، «کوی اپیوه» -api.van̄hav- «کوی اوسذن» -Usaδan-/usan² ، «کوی ارشن» -aršan- ، «کوی بیارشن» -byāršan- ، «کوی سیاورشن» -Syāvaršan³ و «کوی هئوسروه» -Haosravah

از میان این شهریاران جز «کوی اوسذن» و «کوی هئوسروه» که از آنها مفصل تر سخن رفته از دیگران جز اسم، سخنی به میان نیامده است. آنچه از متون اوستا برمی آید این است که کیخسرو پادشاهی عادل، پیروز و دارای سلطنت درخشان، توانا و عمری جاودانی است که بزرگترین عملی که از او در دوران سلطنت سرزده ، کشتن افراسیاب و گرسیوز به کین پدرش، سیاوش و نیز اغریث بوده است. از پایان سلطنت او و یا جانشینی احتمالی او و علت کناره گیری از سلطنت سخنی به میان نیامده است. از فرزندان او نیز که به نیکی یاد شده است، در اوستا نشانی دیده نمی شود. تنها در بند ۱۳۷ فروردین یشت، فروهر پاکدین آخرو (-āxrura) از خاندان خسرو به علت مقاومت بر ضد دروغ ستوده شده است که شاید او یکی از فرزندان خسرو بوده است. اما داستان او در متون پهلوی و متن های بعدی نیامده است.

۲-۱- صورتهای مختلف نام خسرو در متون اوستایی

نام این شهریار در اوستا به صورت هئوسروه (Haosravah) و هئوسرونگهن (Haosravanjhana) آمده است. این نام لفظاً به معنی نیکنام یا کسی که به خوبی مشهور است و دارای آوازه و شهرت نیک است. می باشد^۱ و در سانسکریت به صورت Sauaravasa وجود دارد. هئوسروه جدا از اینکه نام شخصی است، نام دریاچه ای نیز می باشد. در اوستا با نام کیخسرو در بیشتر یشت ها روبرو می شویم. واژه خسرو در متون اوستا در معانی مختلفی به کار رفته است که در اغلب موارد مقصود از آن همان نام شهریار کیانی، کیخسرو می باشد که سپس تر به طور مفصل به آن پرداخته خواهد شد. در چند مورد هم نام خاص بوده و به دریاچه اشاره دارد از جمله در زامیاد یشت بند ۶۵ از خلیجی در دریای فراخکرت - Vouru Kaša نام رفته است که خسرو نام دارد:

«افراسیاب تورانی نابکار از دریای فراخکرت آرزوی داشتن آن (فر بدست نیامدنی) می کرد، برهنه شده رختها را او بدر کرده خواستار گرفتن این فر شد... این فر بدر رفت، از آنجاست که این آبشار نامزد به دریاچه خسرو - Haosravā از دریای فراخکرت برخاست.»^۳

در بند ۵ از «آتش بهرام نیایش» و نیز بند ۹ «دوسیروزه»^۴ از دریاچه خسرو نام برده شده است. در مواردی نیز به عنوان صفت به کار رفته و معنای «نیکنام» یا «نیک آواز» می دهد و کار برد آن ارتباطی با شهریار ندارد از جمله در بند ۳۹ بهرام یشت به معنی نامور به کار رفته است.

« پیروزی که امرا مشتاق آنند، امرازادگان مشتاق آنند، ناموران Haosravanjhano مشتاق آنند که کیکاوس مشتاق آن بود که نیروی اسبی در بر دارد که (نیروی) شتر سرمستی در بردارد که (نیروی) آب قابل کشتیرانی در بر دارد.»^۵

در مواردی هم اسم تلقی شده و معنای نیکنامی از آن برداشت شده است. در یسنا هات ۶۸ بند دوم چنین آمده :

« بشود که توبه من زوت روی آوری ... زندگی خوش و گرایش به اشه را نیکنامی Haosravanjhe و آسایش روان را »

و نیز در تیشتریشث کرده ۲ بندچهارم نیز به معنی نیکنامی آمده است :

« تیشترستاره رایومند فرهمند را می ستاییم (که) نطفه آب در بر دارد (آن) توانای
 بزرگ نیرومند دور بیننده بلند پایه زبر دست را آن بزرگواری که از او نیکنامی
 Haosravanham آید و نژادش از اپم نیات^۶ می باشد برای فروغ و فرش او را می
 ستاییم.»

۲-۲- عنوان کوی Kavi

در بعضی موارد نام خسرو با عنوان کوی Kavi همراه است و در برخی موارد بدون عنوان «کوی» در آبان یشت نام او بدون عنوان کوی آمده است یعنی به صورت «-Haosravah»، در درواسپ یشت یک مورد بدون عنوان کوی و سه مورد با لقب کوی همراه است. در رام یشت نام وی دوبار بدون عنوان کوی و دوبار با عنوان کوی آمده و در ارت یشت دوبار بدون لقب کوی و یک بار با لقب کوی آمده است. در زامیاد یشت نام او سه بار با عنوان کوی همراه است. در متن آفرین پیغامبر زرتشت، خرده اوستا و گشتاسب نامه نام او با لقب کوی همراه است، نام کیخسرو (Kavi Haosravah) از میان متون اوستایی فقط در یشت ها و خرده اوستا حال با لقب «کی» یا بدون آن آمده است. از کیخسرو در بیشتر موارد با صفت یل ممالک آریایی استوار دارنده کشور نام رفته است.

۲-۳- یشت ها :

در اوستا با نام کیخسرو در بیشتر یشت ها روبرو می شویم. از تعداد بیست و یک یشت موجود نام کیخسرو در شش یشت آمده است که عبارتند از :

- ۱- یشت پنجم ، آبان یشت ، کرده ۱۳
- ۲- یشت نهم ، گئوش یشت یا درواسب یشت ، کرده ۴
- ۳- یشت سیزدهم ، فروردین یشت ، کرده ۲۹
- ۴- یشت پانزدهم ، رام یشت ، کرده ۸
- ۵- یشت هفدهم ، ارت یشت ، کرده ۶-۷
- ۶- یشت نوزدهم ، زامیاد یشت ، کرده ۱۱-۱۵

۲-۳-۱ آبان یشت^۱

در این یشت در بندهای ۴۹ و ۵۰ در مورد او آمده است :

«از برای او (اردویسور ناهید) یل ممالک آریایی استوار سازنده کشور، خسرو، روبروی دریاچه ژرف و پهن چیچست^۲ صداسب، هزارگاو، ده هزار گوسفند قربانی کرد و از او خواست این کامیابی را به من ده ای نیک ای تواناترین، از اردویسور ناهید که من بر ممالک، بزرگترین شهریار گردهم و به دیوها و مردمان و به جاودان و پری ها و به کوی ها و کریان های ستمکار^۳ دست یابم که من در طول میدان تاخت و تاز همیشه در تکاپو بیش از همه گردونه ها برانم که ما به کمینگاه دشمن نابکار بدخواه دچار نشویم وقتی که او سواره به جنگ من شتابد.»

اردویسور ناهید نیز او را کامیاب ساخت. در این یشت خسرو بدون عنوان کی آمده است و نیز بر خلاف قسمت‌های دیگر اوستا که درباره کیخسرو صحبت شده است و او همواره شکست افراسیاب را از ایزدان طلب می کند. در این قسمت نامی از افراسیاب برده نشده است و فقط خسرو به عنوان متحد کننده کشور و پهلوان آریایی، از اناهیتا درخواست می کند که بزرگترین شهریار همه ممالک شود و به ستمگران چیره شود و همیشه در نبرد پیروز باشد.

در این یشت برای خسرو دو صفت آورده شده که در جاهای دیگر اوستا نیز همین دو صفت برای او ذکر شده است. اولی -Aršan به معنای دلیر ویل و پهلوان و دومی -Hankərəma به معنی «استوار سازنده و متحد کننده» است. شاید این صفت را به این دلیل به او داده اند که او استحکام و اتحادی به ممالک ایران بخشید و دشمن دیرینه ایران، افراسیاب، را شکست داد.

۲-۳-۲ درواسپ یشت

در بندهای ۲۱-۲۲ این یشت آمده که خسرو، یل ممالک آریایی و استوار سازنده کشور، روبروی دریاچه چیچست صد اسب هزار گاو و ده هزار گوسفند قربانی کرد و از درواسپ خواست تا افراسیاب تورانی^۲ را به کین پدرش سیاوش و همچنین اغریث^۳ دلیر، روبروی دریاچه چیچست بکشد و درواسپ نیز او را کامیاب ساخت. در این یشت برای نخستین بار سخن از انتقامی می رود که کیخسرو بدنبال آن می باشد.

در همین یشت در کرده چهارم بندهای ۱۷-۱۸ آمده است که هوم^۴ برای درواسپ نذر نمود تا بتواند افراسیاب تورانی را به زنجیر بکشد و او را به نزد کیخسرو ببرد تا کیخسرو او را به انتقام سیاوش و اغریث بکشد. پس درواسپ او را کامیاب کرد. همین ایزد هوم در شاهنامه تبدیل به شخصی به نام هوم می شود که افراسیاب را به بند می کشد و پس از گریختن

افراسیاب، کیخسرو به کمک و مشورت هوم است که می تواند دوباره افراسیاب را دستگیر کند و بکشد.

۲-۳-۳- فروردین یشت

در بند ۱۳۲ فروردین یشت، فروهر پاکدامن کیخسرو، پس از فروهرهای کی قباد، کی اپیوه، کی کاووس، کی آرش، کی پشین، کی ویارش و کی سیاوش، ستوده شده است. نام پدر کیخسرو هیچ گاه در اوستا به صراحت ذکر نشده است. اما از آنجا که فروهر او پس از فروهر کی سیاوش ستوده شده و همچنین اوست که همواره به دنبال انتقام سیاوش است می توان گفت که او در اوستا فرزند سیاوش دانسته شده است.

در بند ۱۳۳ تا ۱۳۵ فروردین یشت علت ستایش فروهر کیخسرو چنین ذکر شده است :

«فروهر پاکدین کیخسرو را می ستاییم از برای نیروی خوب ترکیب یافته اش، از برای پیروزی اهورا آفریده اش، از برای برتری فاتحش، از برای حکم خوب مجری شده اش، از برای حکم تغییر ناپذیرش، از برای حکم مغلوب نشدنی و از برای تندرستی از برای فرزندان نیک باهوش دانای زبان آور مقتدر روشن چشم از احتیاج رهاکننده دلاور، از برای آگاهی درست از آینده و از بهترین زندگی بهشت غیرقابل تردید. از برای سلطنت درخشان از برای ملت زندگانی بلند از برای همه خوشبختی ها، از برای همه درمان ها از برای مقاومت کردن بر ضد جاودان و پری ها و کوی ها و کرپن های ستمکار، از برای مقاومت کردن بر ضد آزادی که از ستمکاران سرزند»

در این سه بند، تمامی خصوصیات نیک کیخسرو به عنوان یک پادشاه، کامل و عادل و پهلوانی که همیشه پیروز است، نام برده شده است. در این بند همچنین به سلطنت درخشان و مدت زندگانی بلند او اشاره شده است که شاید به جاودانگی او اشاره داشته باشد.

۲-۳-۴ رام یشت^۱

در رام یشت بندهای ۳۱-۳۳، ائوروسار (Aurvasāra)^۲ در جنگل سفید، اندر وای را می ستاید و از او می خواهد که بتواند خود را از کیخسرو برهاند، تا کیخسرو موفق به کشتن نشود